



۲۰۲۰/۰۳/۲۷



احسان الله مایار

## نامه از میهن اشغال شده شان



سال ها نامه از دوست نهایت عزیزم شهید جنرال عبدالحکیم کتوازی در بین گنجینه زندگی ام از نظرم دور بود تا اینکه به چشم خورد و بی محابا اشک از دیده هایم به یاد بی همتای وی راه خود را پیدا کرد و فرو ریخت.

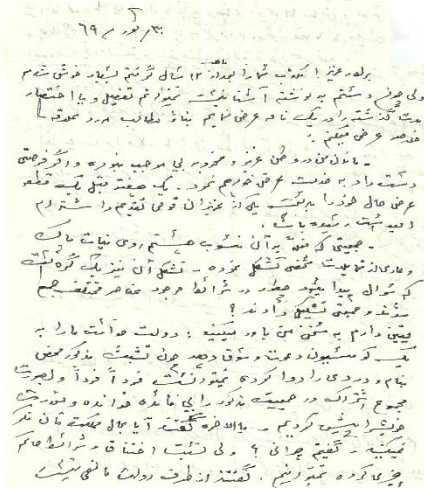
با مرحوم کتوازی و مرحوم عبدالعلی خان یاور کاریزمیر خاطراتی دارم که تا اخیر بودن در جهان ذهنم را رها نخواهد نمود.

روز های که مرحوم کتوازی در همسایگی مرحوم غلام سرور ناشر در قلعه جدید محبس دهمزنگ محبوس بود، دیدن وی در آنجا و صحبت های مختصر اگر میسر می شد برای هر دویمان دشوار بود، لیک وی با توانمندی خداوند نصیبتش نموده بود با شکیبائی همه را تحمل می کرد و نمی نالید.

طوفانیکه در افغانستان، زاده انسان های بی عرضه و بی خدا، نایل شد همه و همه ارزش های جامعه افغانی را که بنیاد آن در وطن دوستی، مردم پروری، آزادی خواهی، مهمان نوازی و ده ها زیبایی دیگری که در سیرت مردم عمیقاً ریشه دوانده بودند چنان پارچه پارچه نمود که کمتر چیزی از آنها باقی ماند.

روزی در سرپناه فقیرانه ام در پشاور شخصی از مردم های کتوازی بدیدم آمد و بعد از مصافحه خود را از جمله دوستان جنرال کتوازی معرفی کرد و نامه وی را برایم سپرد.

پس از مطالعه نامه دوستم را در بین دیگر کاغذ ها گذاشتم و طوریکه در بالا اشاره شد بار دیگر چند روز قبل به دست افتاد که اینک از نظر خوانندگان گرامی گزارش می یابد:



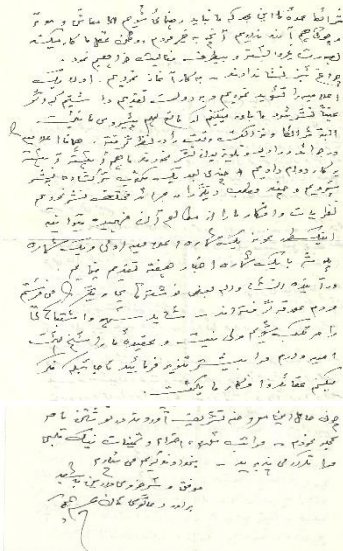
بعد از چند سطر سلام و احوال پرسی، از نوشته قطع شده، وی مینگارد:

مورخه ۳۰/۳/۱۳۶۹

"برادر عزیز! مکتوب شما را بعد از ۱۲ سال گرفتم بسیار خوش شدم ولی چون دستم به نوشته آشنا نیست نمی توانم تفصیل و یا اختصار مدت گذشته را در یک نامه عرض نمایم. بناء مطالب مورد علاقه را خلاصه عرض می کنم.

ماندن من در وطن عزیز و مخروبه بی موجب نبوده و اگر فرصتی دست داد به خدمت عرض خواهم نمود. یک هفته قبل یک قطعه عرض حال خود را به دست یکی از عزیزان قومی تقدیم داشتم ام امید است رسیده باشد.

جمعیتی که فعلاً بدان منصوب هستم روی نیت پاک و عاری از تمایلات شخصی تشکل نموده – تشکل آن نیز



یک گره است که سوال پیدا می شود چطور در شرایط موجود عناصر مختلف جمع شدند و جمعیتی را تشکیل دادند؟

یقین دارم به شخص من باور می کنید: دولت خواست ما را به یک کمیسیون دعوت و سوق دهد چون تشبث مذکور محض به نام و دردی را دوا کرده نمی توانست فوراً و به صورت مجموع اشتراک در جمعیت مذکور را بی فایده خوانده و معذرت خود را پیش کردیم- بالاخره گفتند آیا به حال مملکت تان فکر نمی کنید؟ گفتیم چرا نی؟ ولی نسبت اختناق و شرایط حاکم چیزی کرده نمی توانیم. گفتند از طرف دولت مانعی نیست.

شرایط عمده ما این بود که ما نباید رهنمائی شویم- معاش، موثر و چوکی هم آرزو نداریم آنچه به خیر مردم و وطن عقل ما کار می کند بصورت غیر وابسته و بی طرف فعالیت خواهیم نمود.

چراغ سبز نشان دادند- به کار آغاز نمودیم. اولاً یک اعلامیه را تسوید نمودیم و به دولت تقدیم داشتیم که عیناً نشر شود ما باور می کنیم که مانع بزرگ پیشروی ما نیست البته شرایط و نزاکت وقت را در نظر گرفته. همانا اعلامیه را در جراید و رادیم و تلویزیون نشر نمودند و ما هم آهسته آهسته به کار دوام دادیم. چندی بعد یک مکتوب سر کشاده به نشر سپردیم و چند مطلب دیگر را در جراید مختلف نشر نمودیم. نظریات و افکار ما را از مطالعه ان فهمیده می توانید.

اینک طور نمونه یک شماره اعلامیه اولی و یک شماره پلوشه با یک شماره اخبار هفته تقدیم می نمایم.



در آینده انشا و اله بعضی نوشته های دیگر را می فرستم. مردم علاقه گرفته اند- شاید سهو و اشتباهاتی را مرتکب شویم ولی نیت و عقیده ما راسخ است- امید وارم مرا بیشتر تنویر فرمائید تا جائیکه فکر می کنم عقائد و افکار ما یکسیت. ...

چون حامل این معروضه تشریف آوردند در نوشتن نامه عجله نمودم-

مراتب سلام، احترام و تمنیات نیک قلبی مرا تکرار می پذیرید -

بخداوند کریم می سپارم. موفق و سرخروی دارین باشید.

برادر دعاگوی تان عبدالحکیم

(تورن جنرال ارکانحرب شهید عبدالحکیم کتوازی)

## اعلامیه جمعیت رستگاری ملی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوات و السلام على رسوله خاتم الانبياء و المرسلين و اما بعد  
بیش از ده سال است که نائره جنگ و خونریزی در مملکت عزیز ما افغانستان مشتعل بوده و  
با گذشت هر روز بر شدت آن افزوده می‌رود. کمتر روزی می‌گذرد که بمب و راکت و خمپاره و  
مرمی تگرگ آسا به شهر و ده و کوه و دشت ما فرو نمی‌بارد. بدتر از همه اینکه امروز افغانستان  
به تجربه گاهی مبدل گردیده که در آن سلاح های مخرب و کشنده زراد خانه های اجانب مرود  
آزمایش قرار می‌گیرد و کشور مارا تخریب و مردمان آنرا به سوی نابودی می‌کشاند.



اعلامیه جمعیت  
رستگاری ملی  
افغانستان

د افغانستان  
دملي ژغورني  
د ټولني اعلاميه

در نتیجه این جنگ خانمانسوز بسا از شهر ها و دهات، تاسیسات اقتصادی، اجتماعی و ابنیه تاریخی و فرهنگی  
کشور ما خراب و ویران گردید. صد ها هزار افراد ملت ما بشمول اطفال معصوم به خاک و خون غلطیده اند و  
با مجروح و معلول شدند. و چندین ملیون از هموطنان ما با وضع فلاکتبار در دیار اجانب متواری شدند. اقتصاد  
ملت به ورشکستی گرایید و وطن محبوب ما تا لب پرتگاه نیستی کشانیده شد. علت همه این بدبختی ها این است  
که قدرت های اجنبی کشور آزاده ما را تخته مشق سیاست بازی های خود ساخته و آنرا به مقصد توسعه نفوذ  
سیاسی و اقتصادی خویش به صحنه مجادله بین المللی مبدل کرده اند و با تبلیغات فتنه انگیز و ارسال سلاح های  
کشنده و مخرب و کمکهای مالی لامحدود به متخاصمین ، نائره جنگ را هر آن دامن میزنند.

افغانها مسلماً حق دارند که سرنوشت آینده خویش را در یک فضای فارغ از فشار های گوناگون داخلی و فضای  
خالی از اعمال نفوذ و مداخلات غرض آلود خارجی تعیین کنند. افغانها به صورت عموم به استثنای عده یی  
بسیار محدود، خواهان زندگی مسالمت آمیز می باشند و نمیخواهند حکومتی و دولتی بر سر آنها بالجبر و الا  
اکراه زور لوله افنگ و برچه و با نشانه گگیری توپ تانک تحمیل گردد.

افغانها در این فرصت نیازمندی میرم به احیاء مجدد مملکت مخروبه خویش دارند.

فرهنگیان، دانشوران، منورین و اشخاص با فهم و تجربه که در واقع سرمایه ملی ما بوده اند یا به خارج پناهنده  
شدند و یا به گونه ای به سرنوشت بدتر از این مواجه گردیدند که پدیده ترک وطن هنوز هم از بین نرفته و دوام  
دارد و پر کردن این خلا کار آسانی نخواهد بود و آنچه به هیچگونه قابل جبران نمی باشد از بین انسان است،  
از بین رفتن افغان و افغان برادر من و تو. شاید تعمیرات تعمیرات را دوباره اعمار کنیم ولی آنانیکه در این جنگ  
طولانی و تباه کن به ابدیت پیوستند احیای مجدد آنها جز در قیام قیامت محال می باشد.

ما در مملکت خود عنعناتی داشتیم، عنعنات نیک و پسندیده و انسانی که دارد از بین می رود.

خواهران و برادران هموطن!

خوب بنگرید، تربیت اولاد به وطن به کجا رسید، ملیونها ساعات تعلیمی را در نتیجه تخریب مکاتب در مملکتی  
که عده یی صاحب سواد آن خیلی اندک است از دست دادیم تربیه متباقی اولاد وطن در داخل و یا چه در خارج  
کشور با یک سیستم بیگانه پیش برده می شود.

در مملکت ما هر گروه مخالف گروه مقابل خود را متأسفانه بنام دشمن یاد می کند و آنهم دشمن آشتی ناپذیر و هر کدام یکدیگر را از تیرکش و نشانگاه تفنگ می بیند و بدبختی بزرگتر اینکه کشور دارد محکوم به تجزیه قومی و ملی، سمتی و لسانی می گردد.

بر مملکت بیچاره ما که مردم آن به نان و لباس و مسکن و دوا نیازمند اند و در یک سخن محتاج یک روز زندگی بدون ترس و رعب در زیر شرایط صلح می باشند اسلحه مرگبار از سوی اجانب برای ویرانی کشور و کشتن افغان مانند سیلاب سرازیر می گردد.

برداران هموطن!

آیا فکر کرده اید که عاقبت این سرزمین و مردم آزاده آن به کجا خواهد کشید؟

ازینرو ما یک عده افغانان ایکه سالیان دراز برای فرارسیدن روز صلح و مسالمت انتظار کشیدیم و منتظر ماندیم تا سرنوشت افغان ها بدون مداخله خارجی به دست خود افغان ها تعیین گردد ولی با کمال تأسف می بینیم که با گذشت هر روز ریشه این فلاکت و مصیبت عمیق تر و پهن تر می گردد و چشم طمع اجانب به خاک کشور این میراث مقدس نیاکان ماو این شهیدان راه خدا و وطن با حرص و آز بیشتر نگران گردیده و بذر فساد و برادرکشی را در این خاک آغشته به خون می خواهند و به صورت دوامدار بکارند و به خون جوانان وطن آبیاری کنند.

معتقدیم بیش از این منتظر ماندن و ناظر بودن بر اوضاع فلاکت بار مملکت گناه عظیم و نابخشودنی است. بنابر آن بدون مرامی فقط بر اساس مصلحت ملی و انگیزه وجدانی و با آزادی کامل و بدون تبعیض و تمایل به هیچ جانبی محض بر بنیاد خیر اندیشی و نیک سگالی:

به منظور ایجاد فضای مساعد برای مفاهمه تمام جوانب ذیدخل و دریافت راه حل قابل قبول برای مردم و فرق مخالف.

به منظور فراهم آوردن زمینه برای اعلان آتش بس و مراقبت از تطبیق آن.

به منظور حفظ استقلال و وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور.

به منظور قطع ایادی خارجی از مداخلات در امور متعلق به مردم و کشور ما.

به منظور همکاری و مساعدت برای تشکیل حکومت موقت وحدت ملی شامل جوانب ذیدخل و تجدید قانون اساسی توسط لویه جرگه واقعاً نماینده مردم.

به منظور مساعدت در انتخابات آزاد برای شورای ملی و سهمگیری همه جوانب در آن.

به منظور همکاری در ایجاد نظام دولتی مبتنی بر اساسات دین مقدس اسلام، تاریخ و فرهنگ ملی و ایجاب عصر.

به منظور استحکام سیاست عدم انسلاک و عدم دنباله روی در سیاست خارجی و در نهایت به منظور اعاده صلح توام با عدالت در کشور و سربلندی ملت و تامین حقوق افراد آن.

مااعضای موسس جمعیت رستگاری ملی تصمیم گرفتیم تا از طریق تماس با:

جميع جوانب درگیر افغانی اعم از شخصیت ها و سازمان های سیاسی و نیرو های ملی در داخل کشور.

احزاب و تنظیم های افغانی مقیم در پاکستان و ایران و سایر کشور ها، قوماندانان مسلح در مناطق مختلف وطن، شاه سابق و طرفدارانش در داخل و بیرون از مملکت.

افغانان ساکن در خارج کشور جهت دعوت به یافتن راه حل مسایل میرم ملی و وطنی و حل آن از طریق مفاهمه و رعایت حقوق فردی و اجتماعی به توکل خدای متعال آغاز به کار کنیم- زیرا:

به نظر ما خاموش نشستن و منتظر ماندن در این وضعی که هیچ خانواده افغانی وجود ندارد که کشته نداده و یا مجروح و معلول و آواره نداشته باشدو در حالیکه صعود روز افزون قیم و قلت مواد ضروری بیداد می کند و انفلاسیون بی سابقه در کشور اقتصاد ما را به ورشکستگی مواجه ساخته و مردم از این شرایط نهایت دشوار رنج می کشند، گناهیست نابخشودنی- ما در این راه به محافل بین المللی، اعم از سازمان ملل متحد، سازمان کشور های غیر منسلک، سازمان کنفرانس اسلامی، شخصیت های برجسته ملی و مذهبی اشخاص موثر و مفید در ممالک همجوار، سازمان های غیر حکومتی بین المللی و ملی کشور های مختلف مراجعه خواهیم کرد و آواز ملت ستمدیده و مورد تجاوز افغان را که خواهان صلح و همزیستی مسالمت آمیز و مدعی حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و انسانی در خاک خود هستند، به گوش همه و هر فرد انسان دوست خواهیم رسانید و ضمیر انسانیت را در زمینه بیدار خواهیم کرد. با هر فرد و هر جمعیتی که بر بنیاد این اهداف عمل کند همکاری ورزید. ما افغانان را چه در خارج باشند و چه داخل کشور به این امر خیر دعوت می کنیم. شاید عده ای معدودی که زندگی خویش را از دود باروت و لوله تفنگ تامین می کند و در زنده ماندن خود فقط مدیون نفی و کشتار هموطن هستند و منفعت خود را در جنگ می جویند علیه ما توطیه کنند و جبهه بگیرد ولی چون منظور ما صرف جلب رضای خدا و رعایت انسانیت و حق وطن است و بدون نظر داشت منافع شخصی و زندگی چند روزه پر زرق و برق با ایمن به اینکه هر که در راه خیر و فلاح قدم می گذارد خداوند عالم ضامن پیروزی اوست و به پیروی این گفته پیغمبر اسلام که می فرمایند " انصرا خاک ظالم او مظلوما" دست به کار می شویم و شاهد زنده ما این است که در مدت ده سال گذشته حتی با سیاست های معموله زمان رضائیت و هموائی نشان نداده ایم و همچنان با جوانب ایکه در صف مخاف و محارب رژیم موجه قرار گرفته اند همکاری نداشته ایم.

ما با هیچ قدرت و یا ابر قدرتی همکاری را جایز نمی دانیم مگر آنکهاز دخالت مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی ما دست بکشند.

ما از جمیع افغانان می خواهیم در این راه به قلم و درم یا ما کمک کنند و از جامعه بشری که عاطفه انسانی و ضمیر بشری ایشان هنوز زنده است می خواهیم ملت ما را از طریق هموائی خویش از ین ورطه هلاکت نجات دهد.

افغانان ایکه قلب ایشان از محبت وطن و هموطن می تپد آرومندیم همچو جمعیت هارا در کجاییکه هستند تاسسی کنند و با هم متحد شوند و آواز حقانیت خویشرا هر جا رساتر به گوش جامعه بشری برسانند. و هموطنان عزیز!

در هر کجاییکه هستید متحد شوید، دست به دست هم دهید وجوه افتراق را فراموش کنید اختلافات گذشته را فراموش کنید اختلافات گذشته را مطابق به عنعنه افغانی کنار بگذارید. ساعد و بازوی همدیگر شوید، همدیگر را در آغوش بکشید، وطن شما در لحظات بسیار حساس و دشوار تاریخ قرار دارد. تنها از طریق وحدت و اتفاق، شکیبایی از این لحظات بغرنج تاریخ افغنستان به ساحل نجات رسید.

والتوکل علی الله و به نستعین

این اعلامیه در جلسه ۱۳۶۸/۶/۲۹ مورد موافقه اعضای موسس جمعیت رستگار ملی قرار گرفته و آنرا تصویب نمود.

۱- پوهاند محمد اصغر، سابق معاون انکشاف وادی هلمند، رئیس پوهنتون کابل، کابل شاروال، وزیر عدلیه - بحیث رئیس

۲- دوکتور محمد امان، سابق رئیس بانک انکشاف صنایع، وزیر مالیه - بحیث معاون

۳- جنرال متقاعد عبدالحکیم کتوازی، سابق قوماندان څارندوی کابل بحیث معاون

۴- انجنیر عبدالقدوس مجید سابق معین وزارت معادن و صنایع بحیث منشی

۵- شیخ علی احمد فکور روحانی و عالم بحیث منشی

۶- محمد انور ضیایی سابق وزیر مالیه بحیث عضو

۷- دگر جنرال محمدعظیم متقاعد سابق وزیر فواید عامه بحیث عضو

۸- پروفیسور عبدالواسع سراج استاد پوهنځی حقوق پوهنتون کابل

۹- پروفیسور محمد انور ارغندیوال سابق وزیر عدلیه و حال استاد پوهنتون بحیث عضو

۱۰- دکتور محمد اکبر عمر سابق وزیر تجارت بحیث عضو

۱۱- عبدالحکیم سابق وزیر زراعت بحیث عضو

۱۲- داکتر عبدالله واحدی سابق رئیس پوهنتون و والی کابل بحیث عضو

۱۳- سید عثمان جنرال متقاعد سابق معاون محکمه نظامی بحیث عضو

۱۴- محترم لال گل فریاد سابق نماینده در شورای ملی بحیث عضو

۱۵- محترم حفیظ الله سابق رئیس شرکت سرویس بحیث عضو

خوانندگان گرامی! شخصیت هائیکه اسم شان در بالا ذکر است با اکثریت شان، به غیر از دو نفر شان، آشنائی داشته و با کمال صراحت اذعان می نمایم که نمایندگی از شخصیت های بزرگ افغانستان نموده و همه مدیون این اقدام شان در اختناق محرق میهن اشغال شده بوده که در تاریخ جامعه ما ثبت ابدی خواهد شد.

جنرال کتوازی مدتی بعد از آنکه فرزند ۱۷ ساله خود را در راه آزادی نجات افغانستان از دست داد مجبور به ترک وطن شد و در پشاور به مبارزات ادامه داد دفتری بنام (ملی ژغورنه یا نجات ملی) باز نمود که هر روز مرتب و با دسپلین عسکری در آنجا فعالیت می کرد.

در ماه اکتوبر ۱۹۹۳ محمود مستیری بحیث نماینده خاص سازمان ملل برای افغانستان از یک تعداد افغان ها دعوت نمود در کویته بلوچستان برای حل معضله افغانستان گرد هم آیند که خوشبختانه در زمره اشخاص دوست عزیزم جنرال کتوازی و بنده نیز شامل بودند.

روز بازدید با جنرال کتوازی بعد از ۱۵ سال در هوتل سرینا کویته برابم روز عید، سال نو و همه روز های خوشی در مجموع بودند.

شب ها قبل از استراحت در اطاق یکدیگر با هم می دیدیم و بغیر از نجات وطن صحبت دیگری نداشتیم. بهر صورت اجلاس کویته خاتمه یافت، جنرال کتوازی پشاور رفت و بنده به آلمان باز گشتم.

خاطرات خود را کنار گذاشته در نظر دارم کمی تحقیق در مورد شخصیت شهید کتوازی، آن راد مرد تاریخ معاصر افغان، نموده تا با چهره تابناک وی بهتر آشنا شویم. خوشبختیم که در قسمت زمانی زندگی نصیب ما شده

که بالوسيله شبکه های اجتماعی ميتوانيم در مورد هر آنچه در ذهن ما می گنجد معلومات حاصل نمايم. بنده از اين وسيله استفاده کرده شمه از زندگی پُربار شهيد کتوازی روی نوشته آورده خدمت خوانندگان تقديم می دارم. در قدم اول در فيسبوک مربوط به "کابل شهر رویا های ويران" می خوانيم که:

### کابل شهر رویا های ويران

۲۷ / جون ۲۰۱۶

"تورنجنرال ارکانحرب عبدالحکيم خان کتوازی قوماندان عمومی ژاندارم و پوليس افغانستان. شهيد کتوازی یکی از برجسته ترین چهره های دولت شاهی و یک عسکر و پوليس ممتاز یکی از ارکانحرب ممتاز کشور تحصيل یافته در ترکیه بود. مرحوم در تمام دوران خدمت زمانیکه سمت قوماندانی امنیه کابل، قوماندان فرقه ۷ پیاده مربوط قوای مرکز و قوماندانی عمومی ژاندارم و پوليس کشور را داشت شب و روز در خدمت کشور، مردم و تربیه نسل جوان نظامی بوده .

شهيد کتوازی همیشه در کشور ماند و تلاش صلح و آشتی میکرد وی از وضع رقت بار کشور سخت رنج می دید. در شرایط دشوار و جنگی به شمال کشور، چاریکار و جنوب کشور با نماینده ملل متحد سفر های بخاطر یک هدف مقدس که آن هم صلح ، آشتی و اخوت برای مردم خود که سخت آنرا دوست داشت داشته است تا با علما، سرگروپ های جهادی و مشران اقوام کشور دید و باز دیدی داشته باشد.

در پروژه ملل متحد بحیث یک جنرال رشید تلاش نهایت زیاد صادقانه نمود اما متأسفانه بنا بر ضعف مدیریت بین سیوان نماینده خاص ملل متحد و دخالت خابنین ملی داخلی پروسه به ناکامی که باعث خانه جنگی ها برادر کشی و قتل هزاران انسان بی گناه و مظلوم این ملت مجاهد گردید شهر ها ، ابدات تاریخی و فرهنگی کشور ويران و بتاراج رفت، گردید.

شهيد جنرال عبدالحکيم خان کتوازی در راه تامین صلح و سعادت برای مردم در جنگ های داخلی فرزند رسا و جوان ۱۷ ساله را قربانی داد و مجبور به هجرت جبری گردید.

که با تأسف مثل صدها سرمایه گرانقدر و تفکر عالی بحیث یک جنرال رشید، صادق و با خدا کشور عزیز که سالها خار چشم دشمنان داخلی و خارجی بود به دستور سازمان جهنمی همسایه و تایید خابنین داخلی زمانیکه به در دفتر که بنام (ملی ژغورنه یا نجات ملی) مسمی بود در پشاور مورد حمله مسلحانه دو نفر اجنت آن سازمان قرار میگردد و به کاروان هزاران شهيد گلگون کفن همراه میگردد.

یاد جنرال با شهامت و وطن دوست همیشه جاودانه باد . همیشه در فکر و خاطرات ما زنده هستيد."

و در قبال شهادت جنرال عبدالحکيم کتوازی در روزنامه فرننیر پست به تاریخ ۲۳ جنوری ۱۹۹۶ می خوانيم که

«فرننیر پست»، ۲۳ جنوری ۱۹۹۶؟

"کی جنرال کتوازی را کشت؟"

دگروال میر اکبر انصاری تعلیم یافته کی جی بی که توسط شعبه تحقیقات جرایم (CID) پشاور دستگیر شد، اعتراف نمود که او طراح نقشه ترور جنرال عبدالحکيم کتوازی بود که بدست فرید که اکنون در اردوی افغانستان

به حیث تورن ایفای وظیفه می‌کند، عملی شد. او اعتراف کرد که صد هزار دالر را برای این منظور دریافت داشته است. فرید در مخفی گاه خود در منزل برکت شاه واقع در آچارکلی در کوهات رود پشاور، زندگی می‌کرد. یک منبع پلیس ابراز داشت که انصاری و برکت شاه ضمن معامله‌ای با دولت کابل قصد داشتند تا غیر از ربودن یک طیاره، برخی از مقامات و سیاستمداران بلند پایه را در مقابل دریافت پولهای کلان، به قتل برسانند.



شهادی که بر زیبایی باغ جنت می افزایند.

